



Journal of Islamic Propagation

Volume 2 ● No 5 ● Spring & Summer 2021

The Propagation Methods of the 'Ulu al-'Azm Prophets

Marzieh Qanbari*

Abstract

Islam has emphasized on comprehensive growth and development in all arenas of life; So that human beings, as the most chosen creatures in the universe, can reach the place of proximity of God. Human's need for divine guidance is a vital and innate necessity that is made possible by Allah Almighty through the propagation of divine prophets. In this case, a person achieves the true life that is mentioned in the Qur'an as "the good life". This life is due to the correct way of living in this world through the propagation of divine prophets, which leads to happiness in this world and the Resurrection. Propagation of the divine religion has been considered as the main mission of the prophets since the beginning of human life, and the 'Ulu al-'Azm prophets, due to the creation of the new Sharia, had a greater responsibility to provide the path of propagation for the prophets after themselves. In this regard, understanding the characteristics and propagational methods of the 'Ulu al-'Azm Prophets are very important in the matter of propagation in the present era. This study aims to answer the question, "what methods did the 'Ulu al-'Azm prophets use in the matter of propagation on the path to reach their goal"? The findings of the study suggest that the 'Ulu al-'Azm prophets by using a coherent and regular style and at the same time, different propagational methods, were able to convey the divine message to all the people in accordance with the needs of the people of their time and provide the causes of their guidance.

Keywords

'Ulu al-'Azm prophets, Propagation Methods, Religious propagation.

* PhD in Comparative Interpretation of the Qur'an. Qom University: Marziyeh.Ghanbari2020@Gmail.Com.



شیوه‌های تبلیغی پیامبران اولوالعزم

مرضیه قنبری*

چکیده

دین اسلام، بر رشد و تکامل همه‌جانبه در تمام عرصه‌های زندگی تأکید نموده است؛ تا انسان به عنوان برگزیده‌ترین مخلوقات عالم هستی، به مقام قرب الهی نایل شود. نیاز بشر به هدایت الهی، ضرورتی است حیاتی و فطری که از طرف خداوند متعال به واسطه تبلیغ انبیای الهی امکان‌پذیر است. در این صورت، انسان به حیات حقیقی که در قرآن به نام «حیات طیبه» یاد شده، دست می‌یابد. این حیات، موهون شیوه صحیح زندگی در دنیا از طریق تبلیغ انبیای الهی است که موجب سعادت دنیا و آخرت می‌شود. تبلیغ دین الهی از آغاز زندگی بشر، به عنوان رسالت اصلی پیامبران مطرح بوده است و پیامبران اولوالعزم به دلیل ایجاد شریعت جدید، دارای مسئولیت عظیم‌تری بودند تا مسیر تبلیغ را برای پیامبران پس از خود فراهم نمایند. در این راستا، درک ویژگی‌ها و روش‌های تبلیغی پیامبران اولوالعزم، اهمیت بسزایی در امر تبلیغ در عصر حاضر دارد.

این پژوهش، در صدد پاسخ به این پرسش است که «پیامبران اولوالعزم، در راه رسیدن به هدف خود، در امر تبلیغ از چه شیوه‌هایی استفاده کرده‌اند؟» یافته‌های پژوهش، بیانگر این است که انبیای اولوالعزم با اتخاذ یک سیره منسجم و منظم و در عین حال، روش‌های تبلیغی متفاوت، به تناسب نیاز مردم عصر خویش توانستند پیام الهی را به تمامی مردم ابلاغ نمایند و موجبات هدایت آنها را فراهم کنند.

کلیدواژگان: پیامبران اولوالعزم، شیوه‌های تبلیغ، تبلیغ دینی.

مقدمه

در نگرش اسلام، انسان به گونه‌ای آفریده شده که قابلیت رسیدن به مقام خلیفه الهی را دارد (بقره، آیه ۳۰) و می‌تواند با تقویت معنویت، به نهایت شکوفایی فطری خویش نایل شود و به مقام والای انسانیت دست یابد. خداوند متعال تمام هستی را در مسیر کمال انسان قرار داده و فطرت انسان را به سوی پذیرش و پیروی از تعالیم دینی متمایل نموده است (روم، آیه ۳۰). با توجه به اینکه امور فطری، نیازمند رشد و پرورش هستند تا تحت فشار غرایز و شهوات، به مسیرهای انحرافی کشیده نشوند، خداوند متعال انبیای الهی را برای بیدار نمودن فطرت‌های خفته ارسال نموده است. امام علی علیه السلام در این باره چنین فرمود: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يُدْكِرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱).

در واقع، امر تبلیغ دین، زمینه‌ساز هدایت انسان و رسیدن به کمال و سعادت حقیقی است و انبیای الهی؛ به‌ویژه پیامبران اولوالعزم، برای هدایت انسان و رهاندن انسان از تباهی‌ها و رساندن آنان به قله کمال ارسال شده‌اند. سرگذشت انبیا و رسولان الهی در قرآن کریم، بیانگر این است که تبلیغ و دعوت به شریعت، از آغاز زندگی بشر مورد توجه بوده و در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آیات و روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است؛ همچنان‌که خداوند متعال خطاب به حضرت صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ إِنَّ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» (فاطر، آیه ۲۴). امر تبلیغ، بالاترین نیکوکاری است؛ «وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (فصلت، آیه ۳۳). این پرسش خداوند، بیانگر ارزش و جایگاه تبلیغ و مبلغ است که برای هر عصری ضروری است. درحقیقت، دعوت مردم به دین الهی، از بهترین واجبات و برترین عبادت‌هاست (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۱۹). به دلیل اهمیت تبلیغ در همه دوران‌ها، بر مبلغان لازم است که روش‌های تبلیغ صحیح را با توجه به سیره انبیای اولوالعزم فرا گیرند و آن را در زمان خود به کار برند. با توجه به آیه شریفه «نُفِرُوا» (توبه، آیه ۱۱۲)، در هر زمانی نیاز است که عده‌ای برای امر خطیر تبلیغ، داوطلب شوند تا مردم عصر خود را از تاریکی به نور رهنمون باشند.

پژوهش حاضر، درصدد پاسخ به این پرسش است که چه شیوه‌هایی در تبلیغ پیامبران اولوالعزم قابل توجه است؟ این پژوهش، از نوع مطالعات توصیفی - تحلیلی به شیوه کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته است.

مفهوم‌شناسی

الف. تبلیغ: تبلیغ در لغت، رسانیدن پیام، ابلاغ (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۴، ص ۱۳۱۶)، جاگیرکردن موضوعی با انتشار اخبار در اذهان عمومی (معین، ۱۳۸۶ش، ص ۲۹۲) و رساندن خبر و یا عقاید دینی یا غیر آن، با وسایل ممکنه است (دهخدا، ۱۳۶۲ش، ج ۱۳، ص ۳۴۳). تبلیغ در اصطلاح، عبارت است از روش‌های به‌هم‌پیوسته برای جهت‌دادن نیروهای فردی و اجتماعی، از طریق نفوذ در شخصیت، افکار، عقاید و احساسات آنها، برای رسیدن به یک هدف مشخص است (کرمی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۴) تبلیغ به‌منظور نشر دانش و آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، و نشر سجایای اخلاقی صورت می‌گیرد (زورق، ۱۳۶۸ش، ص ۳۹). تبلیغ، در مفهوم کلی، همان رساندن پیام به دیگری از طریق برقراری ارتباط، به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار اوست (رهبر، ۱۳۷۱ش، ص ۸۱).

ب. اولوالعزم: عزم، به معنای تصمیم و پیمان قلبی بر انجام کار (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۶۳؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۹۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۶۵) به‌کار رفته و اولوالعزم، به معنای پیامبران صاحب شریعت، عبارت‌ند از: حضرت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد ﷺ (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۶، ص ۱۱۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۴۰۰). طبق تفسیر ائمه علیهم‌السلام، صاحبان شریعت مستقل را اولوالعزم گویند (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۴، ص ۳۴۶).

نقش شرایط زمان و مکان در اتخاذ روش تبلیغ

رشد و تعالی عملی اعتقادات و باورهای دینی انسان‌ها، محصول شناخت صحیح و آگاهانه از ویژگی‌های مردم هر عصری است. در این راستا، مبلغ باید قبل از آغاز تبلیغ، شناخت کاملی از شرایط و ویژگی‌های فضای تبلیغ داشته باشد تا به‌سهولت به مقصود برسد. جهت تبیین این موضوع، سعی بر آن است که به بررسی شیوه‌های هر یک از انبیای اولوالعزم به تناسب مردم عصر خویش پرداخته شود.

۱. شیوه‌های تبلیغی حضرت نوح ﷺ

۱-۱. مقاومت چندصدساله

زندگی طولانی حضرت نوح ﷺ که ۹۵۰ سال به تبلیغ دین الهی پرداخت (عنکبوت، آیه ۱۴)، بیانگر

دعوت همه‌جانبه و جهانی اوست که به همراه پیروان اندک، سعی در توسعه جهانی دعوتش داشته است. برجسته‌ترین ویژگی متمایز حضرت نوح علیه السلام، پایداری و مقاومت چندصدساله حضرت علیه السلام در استمرار تبلیغ است. استقامت حضرت نوح علیه السلام در امر تبلیغ، در آیات متعددی بیان شده است (عنکبوت، آیه ۱۴؛ نوح، آیه ۵ و ۸-۹؛ اعراف، آیه ۶۲). هیچ عاملی، موجب توقف دعوت آن حضرت نشد و شبانه‌روز مشغول تبلیغ و دعوت به سوی توحید بود (نوح، آیه ۵)؛ اما افراد قومش با تحقیر (شعراء، آیه ۱۱۱)، تکذیب (حج، آیه ۴۲)، تمسخر (هود، آیه ۳۸) و تهمت‌های فراوان (قمر، آیه ۹)، با حضرت علیه السلام برخورد می‌کردند. نوح نبی علیه السلام عموم مردم زمان خود را که از چند نسل تشکیل می‌شد، به خداپرستی دعوت می‌نمود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۳۱۷) و با وجود تمام ناملامت‌ها در راه تبلیغ، از تلاش مستمر دست برنداشت و با اینکه جز گروه اندکی در حدود هشتاد نفر ایمان نیاوردند، ضعف و سستی به خود راه نداد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۶، ص ۲۲۹). تلاش خستگی‌ناپذیر حضرت نوح علیه السلام، درس بزرگی برای مبلغان است که در راه تبلیغ و مبارزه با انحراف، با عزمی راسخ تلاش نمایند.

۲-۱. گفت‌وگوی نیکو و مدارا

آیات قرآن در بحث از شیوه تبلیغ حضرت نوح علیه السلام، به شیوه گفت‌وگوی او به بهترین وجه، در مقابل رفتار توهین‌آمیز قومش اشاره نمود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» (اعراف، آیه ۵۹) حضرت نوح علیه السلام، در سه قرن اول رسالت خود، شبانه‌روز مردم را دعوت می‌کرد؛ درحالی‌که بر فرار و بی‌ایمانی آنها افزوده می‌شد و به حدی حضرت را می‌زدند که بیهوش می‌شد و چون به هوش می‌آمد، می‌گفت: «خدا! قوم را هدایت کن» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۶۶۸)؛ اما نوح علیه السلام به جهت اینکه به مردم بفهماند که خیرخواه و دلسوز آنان است، می‌گوید: «یا قَوْمِ: ای قوم من...» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۷۴). نوح نبی علیه السلام در برابر آزارها و شکنجه‌های قومش، تنها راه مدارا را پیشه خود کرد و در مقابل آنها، با نهایت انعطاف و نرمش برخورد نمود: «يَغْفِرُ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُؤَخِّرُكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى» (نوح، آیه ۴). قوم نوح به جای تأثیرپذیری از دعوت اصلاحی او به توحید که توأم با نهایت خیرخواهی بود، به صراحت در جواب وی گفتند: «ما تو را در گمراهی آشکار می‌بینیم» (اعراف، آیه ۶۰). حضرت نوح علیه السلام در برابر توهین و خشونت آنان، با همان لحن آرام و متین خود، به بهترین وجه و نیکوترین سخن، پاسخ آنها را می‌داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش،

ج ۶، ص ۲۲۱). در آیه «وَمَا أَسْتَأْذِنُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ» (شعراء، آیه ۱۰۹)، حضرت نوح علیه السلام بار دیگر به نیکوترین شکل، در مقابل مردم و منکران زمان خود می‌ایستد و می‌گوید: از هیچ‌یک از افراد، درخواست اجر و پاداش نمی‌نمایم و دعوت مردم به خداپرستی، فقط از نظر انجام وظیفه‌ای است که پروردگار به عهده‌ام نهاده است. تذکر این معنا، موجب شد که مردم او را ناصح بدانند و معتقد باشند که هیچ شائبه استفاده مال و طمع در دعوت او نیست (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۵۹). آن حضرت می‌گوید: من توقع مالی از شما ندارم؛ جز اینکه ایمان بیاورید (طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۹، ص ۶۴۳). این روش حضرت علیه السلام، در آیات متعددی بیان شده است (نوح، آیه ۱۱-۱۲؛ شعراء، آیه ۱۱۴؛ هود، آیه ۲۹ و ۳۱).

۲. شیوه‌های تبلیغی حضرت ابراهیم علیه السلام

۲-۱. احتجاج با نمرود

حضرت ابراهیم علیه السلام ذیل آیه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ...» (بقره، آیه ۲۵۸)، ابتدا قانون حیات و مرگ را به عنوان نشانه روشنی از علم و قدرت پروردگار مطرح ساخت؛ اما نمرود برای اثبات قدرت خود در مسئله مرگ و حیات، راه تزویر و سفسطه را پیش گرفت و دستور داد دو زندانی را حاضر نمایند. سپس، یکی را آزاد کرد و دیگری را به قتل رساند. در این راستا، ابراهیم علیه السلام دست به استدلال دیگری زد که نمرود نتواند در آن مغالطه کند. ابراهیم علیه السلام گفت: خداوند، خورشید را از افق مشرق می‌آورد، [اگر راست می‌گویی که حاکم بر جهان هستی تویی،] خورشید را از مغرب بیاور! در اینجا آن مرد کافر، مبهوت و وامانده شد و نتوانست کاری کند. این شیوه، بهترین راه برای خاموش کردن افراد لجوج است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۵۰). برخی مفسران با استناد به روایتی از امام صادق علیه السلام، این محاجه را بعد از ماجرای سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم علیه السلام دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۶۳۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۲۹۰). شیوه محاجه، از شیوه‌های تبلیغی در برابر معاندان است.

۲-۲. اقرارگرفتن از مردم در بطلان عقیده‌شان

شیوه استدلال ابراهیم علیه السلام بر توحید، طبق آیات ۷۶-۷۹ سوره انعام، مبتنی بر چند روش است:

۱. پروردگار و مرتبی موجودات، باید همواره ارتباط نزدیک با مخلوقات خود داشته باشد و لحظه‌ای از آنها جدا نگردد. بنابراین، چگونه موجودی که غروب می‌کند و ساعت‌ها نور و برکت خود را بر می‌چیند، می‌تواند پروردگار و رب آنها باشد؟

۲. موجودی که دارای طلوع و غروب است و خود محکوم این قوانین است، چگونه می‌تواند حاکم بر آنها باشد؟

۳. موجودی که دارای حرکت است، حتماً موجود «حادثی» خواهد بود و چیزی که در معرض حوادث است، نمی‌تواند یک وجود ازلی و ابدی باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۵، ص ۳۱۳). در واقع، اقرار ابراهیم علیه السلام به هدف استدلال بر قومش بود تا خطای آنها را به اثبات رساند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۴، ص ۵۰۱). این روش، در حقیقت از باب تسلیم، و به زبان خصم و دشمن حرف زدن است. ابراهیم نبی علیه السلام در ظاهر، خود را یکی از آنان شمرده و عقاید خرافی آنان را صحیح فرض نموده و آنگاه با بیانی مستدل، فساد آن را ثابت کرده است. این شیوه احتجاج، بهترین راهی است که می‌تواند انصاف خصم را جلب کند و از طغیان و تعصب او جلوگیری نماید و مخاطب را برای شنیدن حرف حق آماده سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۷، ص ۱۷۷). حضرت ابراهیم علیه السلام با بهره‌گیری از برهان و استدلال منطقی، در برابر احتجاجات قومش بر تهدید به کیفر و خشم خدایان و بت‌هایشان مقاومت نمود (انعام، آیه ۸۰-۸۳) و پاسخ داد که اگر در این مبارزه‌ها، حتی حادثه‌ای هم برایش پیش آید، هیچ ارتباطی به بت‌ها ندارد؛ بلکه مربوط به خواست خداست؛ زیرا بت بی‌شعور و بی‌جان، مالک سود و زیان خود نیست؛ تا چه رسد به اینکه مالک سود و زیان دیگری باشد (داورپناه، ۱۳۶۶ ش، ج ۱۲، ص ۳۶۹-۳۷۱). روش برهان و استدلال منطقی، از جمله روش‌های تبلیغ در برابر خصم است که در آن، مقدمه‌ای که عین حقیقت است، پایه قرار می‌گیرد و از آن نتیجه گرفته می‌شود (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۷۴). در واقع، حضرت ابراهیم علیه السلام در خلال حجتی که علیه مشرکین اقامه کرده بود، از آنان پرسید: کدامیک از من و شما سزاوارتریم به ایمنی و نترسیدن؟ سپس، خودش جواب می‌دهد و چون جواب بدیهی و روشن بوده، از شدت وضوح، خود خصم نیز آن را قبول داشته است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۷، ص ۱۹۹). حضرت علیه السلام از یک منطقی عقلی بر اساس این واقعیت استفاده می‌کند که شما مرا تهدید به خشم بت‌ها می‌کنید؛ درحالی که چنین تهدیدی، هیچ تأثیری ندارد.

۳. شیوه‌های تبلیغی حضرت موسی علیه السلام

۳-۱. لحنی نرم در برابر فرعون

حضرت موسی علیه السلام با راهنمایی خداوند، با لحنی نرم و گفتاری دل‌نشین، فرعون را به ترک طغیان و توجه باطنی به پروردگار فرا خواند؛ «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه، آیه ۴۴). این آیه، راه نفوذ در فرعون را نرم‌خویی دانسته که درسی است برای همه رهبران الهی و مبلغان دینی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۳، ص ۲۰۹). یک مسلمان آگاه، به موارد اتفاق استدلال می‌کند و از استدلال به مطالب و مسائل احتمالی و اختلافی پرهیز می‌نماید؛ زیرا هر دلیلی که احتمال به آن راه یابد، به کار استدلال نمی‌آید (قرضاوی، ۱۳۸۲ ش، ص ۷۲۰). درحقیقت، در گفتار نرم و سخن نیکو، امید تأثیر بیشتری است (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱ ش، ج ۸، ص ۱۷۵). در آیات «إِذْ هَبْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ، فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَٰهٌ إِلَّا أَن تَزْكَىٰ، وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَى» (نازعات، آیه ۱۷-۱۹) نیز دعوت فرعون را با خیرخواهانه‌ترین تعبیر دستور می‌دهد و نمی‌گوید: من تو را پاک کنم؛ بلکه می‌گوید: پاکی را پذیرا می‌شوی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲۶، ص ۹۱).

۳-۲. استقامت در برابر بهانه‌جویی‌های مکرر

آیات بسیاری از قرآن مجید به همراهی موسی علیه السلام با بنی اسرائیل و دعوت آنها به توحید اشاره شده است؛ اما بهانه‌جویی‌های مکرر بنی اسرائیل، مانع از قبول دعوت حق می‌شد (اعراف، آیه ۱۴۳؛ مائده، آیه ۲۱-۲۲؛ بقره، آیه ۶۱؛ طه، آیه ۸۰؛ بقره، آیه ۵۱). بنی اسرائیل همواره در برابر دلایل روشن موسی بهانه‌جویی می‌کردند (مکارم شیرازی ۱۳۷۱ ش، ج ۲۱، ص ۱۷۰). رهایی بنی اسرائیل از دست فرعونیان، شکافته شدن دریا برای آنها، گوساله‌پرستی، سایه‌افکنی ابر بر سر آنها و نزول من و سلوی از آسمان و نیز جوشش چشمه‌های دوازده‌گانه، همه از الطاف الهی به بنی اسرائیل بود که با کفران نعمت، بهانه‌جویی می‌کردند (بقره، آیه ۹۳-۴۷). حضرت موسی علیه السلام بعد از اشاره به مواهب الهی بر بنی اسرائیل، آنها را به سرزمین مقدس فرا خواند؛ اما آنان پس از بهانه‌جویی‌های مکرر، پاسخ دادند: ما اینجا می‌مانیم؛ خودتان بجهنم بروید و وقتی پیروز شدید، ما را با خبر کنید (مائده، آیه ۲۰-۲۶). حضرت علیه السلام با وجود انواع بهانه‌جویی بنی اسرائیل، راه صبر و مقاومت را در پیش گرفتند. این ویژگی حضرت، بیانگر استقامت مبلغان در امر خطیر تبلیغ در برابر هر نوع نامالایماتی است.

۴. شیوه‌های تبلیغی حضرت عیسی علیه السلام

● تواضع

یکی از ویژگی‌های اخلاقی حضرت عیسی علیه السلام، به عنوان یکی از برترین اسوه‌های انسانی و اخلاقی، تواضع و فروتنی ایشان است. با توجه به آیه «وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَآمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ...» (مانده، آیه ۱۱۶)، حضرت عیسی علیه السلام، هم دعوت به شرک را از خود نفی می‌کند و هم تأکید می‌کند که اساساً من چنین حقی ندارم و چنین گفتاری با موقعیت نبوت من سازگار نیست. مسیح علیه السلام با نهایت تواضع و احترام در برابر خدا به این سؤال، با چندین جمله متواضعانه پاسخ می‌دهد و با زبان تسبیح با خدا سخن می‌گوید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۵، ص ۱۳۴-۱۳۵). آیه «إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (مانده، آیه ۱۱۸) نیز نمونه‌ای از تواضع حضرت در برابر خداست که در مورد دفع عذاب از امت و درخواست آموزش برای آنها، خطاب خود را از صورت امر و نهی حفظ کرد و چون مقام تکلم عیسی با خداست، منتهای تواضع و ذلت عبودیت در چنین مقامی را رعایت نمود (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۶، ص ۳۵۹). درحقیقت، عیسی علیه السلام با کمال ادب و امیدواری، از خدا برای آنان طلب آموزش کرد؛ زیرا جمله «فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ»، کاملاً این مطلب را دربردارد؛ چنان‌که به کسی که در مورد فرزندش سخت‌دلی نشان دهد، می‌گویی: او فرزندت می‌باشد؛ یعنی او را ببخش (مغنیه، ۱۳۷۸ ش، ج ۳، ص ۲۴۰). آیه «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ...» (آل عمران، آیه ۵۱) نیز از زبان حضرت عیسی علیه السلام برای رفع هرگونه ابهامی در مورد فرابشری بودنش است؛ تا تولد استثنایی او را دستاویزی برای الوهیت او قرار ندهند. این امر نیز بیانگر تواضع آن حضرت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۵۶۱).

۵. شیوه‌های تبلیغی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۵-۱. آغاز تبلیغ از خویشان

عشیره انسان، طبق آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء، آیه ۲۱۴)، قرابت و خویشان اوست و اگر خویشاوندان انسان را عشیره خوانده‌اند، از این باب است که با انسان معاشرت دارند و انسان با آنان معاشرت می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ص ۳۲۲). درحقیقت، برای اقدام برنامه انقلابی

گسترده، باید از حلقه‌های کوچک‌تر و فشرده‌تر آغاز نمود؛ همچنان‌که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، نخستین دعوت خود را از بستگان آغاز نمود که هم سوابق پاک او را بهتر از همه می‌شناسند و هم پیوند خویشاوندی نزدیک ایجاب می‌کند که به سخنانش بیش از دیگران گوش فرا دهند و از حسادت‌ها، کینه‌توزی‌ها و انتخاب موضع خصمانه دورترند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۵، ص ۳۶۶-۳۶۷). نکته قابل توجه اینکه در دعوت دینی، استثنا راه ندارد و نباید در برابر اقوام و خویشان، مدهانه و سهل‌انگاری نمود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۴۶۶).

۲-۵. عطوفت با دوستان و صلابت در برابر دشمنان

عدم سازش در اصول اعتقادات و فروع آن، از ویژگی‌های برجسته دوران رسالت و تبلیغ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که هرگز خواهش‌های باطل مشرکان یا منافع شخصی خود را بر حفظ اصول و فروع دین ترجیح نمی‌دادند و هیچ‌گونه سازش و مسامحه‌ای در راه ابلاغ رسالت خویش و تبیین احکام الهی نداشتند. طبق آیه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...» (فتح، آیه ۲۹)، سیره مؤمنان و در رأس آنها شخص پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، داشتن شدت و شجاعت در برابر کفار و رحمت در مقابل مؤمنان (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۴۴۶)، ابراز محبت به برادران و دوستان و هم‌کیشان، و نشان دادن صلابت و پایداری در مقابل دشمنان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ش، ج ۲۲، ص ۱۱۳). خداوند متعال در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ، ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ، وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مائده، آیه ۵۴)، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یاران ایشان را دارای چنان شجاعت و شهامتی معرفی نموده که از شکستن سنت‌های غلط و مخالفت با اکثریت‌هایی که راه انحراف را پیش گرفته‌اند و دیگران را استهزا می‌کنند، پروایی ندارند. بسیاری از افراد در مقابل غوغای محیط و هجوم افکار عوام، بسیار محافظه‌کار، ترسو و کم‌جرئت هستند؛ درحالی‌که یک رهبر سازنده و افراد او، قبل از هر چیز باید نهایت شجاعت و شهامت را داشته باشند. عوام‌زدگی و محیط‌زدگی، سدّ راه بیشتر اصلاحات محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۴۱۶). در ضمن، اینان حتی در برابر نکوهش ملامت‌گران، شجاعتی مثال‌زدنی از خود نشان می‌دهند و در این راه، هیچ‌گونه ابا و ترسی ندارند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۶۳۴).

ارتباط پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با مردم، طبق آیه «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ

حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَئُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه، آیه ۱۲۸) بیانگر چند صفت ممتاز حضرت سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است:

۱. هرگونه ناراحتی و زیان و ضرری به شما برسد، برای او سخت ناراحت کننده است؛
 ۲. او سخت به هدایت شما علاقه مند است و به آن عشق می ورزد؛
 ۳. به مؤمنان، رئوف و رحیم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۲۰۶).
- پیامبر اکرم سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در برابر افراد نادان و گنهکار، دارای نرمش کامل و انعطاف امور در امر تبلیغ دین بودند (آل عمران، آیه ۱۵۹) و اگر این نرمخویی و نرمش حضرت سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نبود، زمینه برای پراکندگی مردم کاملاً فراهم بود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۵۶). تواضع و نرمخویی توأم با مهر و محبت و ملاحظت حضرت سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مؤمنان راستین (شعراء، آیه ۲۱۵)، برای حفظ آنان از حوادث احتمالی و تشتت و پراکندگی است. پیامبر اکرم سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز مأمور است تا مؤمنان راستین را زیر بال و پر خود بگیرد. این تعبیر پرمعنا، دقایق مختلفی را در مورد نرمخویی و محبت با مؤمنان بیان می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۵، ص ۳۶۷). تعبیر «باخع» در آیه «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (کهف، آیه ۶)، به معنای هلاک کردن خویشتن از شدت غم و اندوه است و این تعبیر، نشان می دهد که پیامبر اکرم سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا چه حد به مردم دلسوز و در انجام رسالت خویش پافشاری داشت و با آنها مهربان بود و در برابرشان نرمش داشت.

۳-۵. تبلیغ مبتنی بر جدال احسن

جدال احسن، یکی از شیوه های دعوت است که برخی مفسران آن را به معنای مناظره گرفته اند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶، ص ۶۰۵؛ حقی بروسوی، بی تا، ج ۵، ص ۹۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۴۸۷). آیه «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل، آیه ۱۲۵)، بیانگر این است که این سه قید، یعنی: «حکمت»، «موعظه» و «مجادله»، همه مربوط به طرز سخن گفتن است. رسول گرامی مأمور شده که به یکی از این سه طریق دعوت کند و هر یک برای دعوت، طریقی مخصوص است؛ هر چند جدال به معنای اخصش دعوت به شمار نمی رود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۷۱). درحقیقت، آیه بیانگر دعوت به سوی حق با استفاده از منطق صحیح و استدلال های حساب شده از طریق بیدارساختن عقل های خفته است. مرحله بعدی دعوت را استفاده از اندرزهای نیکو جهت برانگیختن عواطف انسان ها بیان نموده است. مرحله بعدی، مخصوص کسانی است که ذهن آنها قبلاً از مسائل نادرستی انباشته شده و باید از طریق

مناظره، ذهنشان را پاک نمود تا برای پذیرش حق آمادگی پیدا کنند. این روش، زمانی مؤثر است که حق و عدالت و درستی و امانت بر آن حاکم باشد و از هرگونه توهین و تحقیر و خلاف‌گویی و استکبار رها باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۴۵۵-۴۵۷).

با بررسی شیوه‌های تبلیغی متناسب با عصر هر یک از انبیای اولوالعزم، به این مهم می‌رسیم که امر تبلیغ، کار ساده‌ای نیست که به هر نحوی بتوان انجام داد. سیره انبیا و در رأس آنها پیامبران اولوالعزم، به عنوان بزرگ‌ترین مبلغان دینی، بیانگر این است که هرچند در امر خطیر ابلاغ دین، همه وظیفه و هدف واحدی دارند، اما بسته به موقعیت‌های مختلف، روش هر یک از بزرگواران در رسیدن به این هدف، متفاوت بوده است؛ چنان‌که در زمان هر کدام، شرایط خاصی موجب تفاوت روش می‌شد. در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آغاز تبلیغ از خویشاوندان، توأم با نرمخویی و در عین حال، با شجاعت و قاطعیت همراه بود. در زمان حضرت نوح علیه السلام، استقامت چندصدساله ایشان مورد توجه است که حدود ده قرن، در میان مردم به تبلیغ پرداخت. موسی علیه السلام باید با بزرگ‌ترین استکبار بشر مبارزه نمود تا بتواند بنی اسرائیل را دعوت به توحید کند و در مقابل بهانه‌جویی‌های آنها، ایستادگی کند. ابراهیم نبی علیه السلام، باید با بزرگ‌ترین بت‌های زمان در مقابل خدای یکتا مبارزه کند و آنها را از بین ببرد تا مردم به خدا روی آورند. حضرت عیسی علیه السلام باید از معجزات مختلف استفاده کند و به مردم گوشزد نماید که این معجزات، کار خود او نیست و «یاذن الله» است؛ تا مقام الوهیت او در دیدگاه مردم از بین برود. بنابراین، هر مبلغی باید شرایط زمان و مکان خود را به‌خوبی درک کند و کار تبلیغ را آغاز کند تا تبلیغ ثمربخش باشد؛ در غیر این صورت، نقض غرض خواهد شد.

اصول مشترک پیامبران اولوالعزم در تبلیغ

آیاتی از قرآن کریم در زمینه تبلیغ یکسان همه انبیا، به‌خصوص پیامبران اولوالعزم نازل شده است، تا در زمان کنونی، در همه شرایط برای همه مبلغان دینی کارساز باشد.

۱. التزام به انجام عمل صالح

افزایش تأثیرگذاری مبلغ در گرو عمل به دستورات و فرامین الهی است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ عِلْمَهُ اللَّهُ مَا لَا يَعْلَمُ» (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۰۱)؛ کسی که به علم و دانایی‌اش عمل کند، خداوند آنچه را نمی‌داند، به او می‌آموزد. در نتیجه، انجام وظایف بندگی، راه اصلی در

رسیدن انسان و رساندن دیگران به مقصود است. در حقیقت، انسان باید استعدادها و توانایی‌هایی را که خداوند برای سازندگی در تمام ابعاد زندگی به او عطا نموده، در جست‌وجوی حق و حقیقت و انجام کار نیک به کارگیرد و میان موهبت‌ها و استعدادهایش توازن لازم به وجود آورد (قرضاوی و سلیمی، ۱۳۸۲ش، ص ۶۸۴). در این صورت، در امر تبلیغ دین موفق خواهد شد. خودسازی، برای هر انسانی جهت دستیابی به کمال و تقرب الهی، امری ضروری است. زدودن فساد اخلاقی، از روش‌های مؤثر در تقویت زمینه‌های مثبت اخلاقی است و در اثر آن، انسان از فساد فاصله می‌گیرد. شرط رسیدن به ایمان کامل و افزایش بینش و باور دینی در وجود انسان، پاکی روح و نفس آدمی از گناه و معصیت است؛ هرچه انسان از خطا و لغزش دورتر باشد، بذر معارف در وجودش سریع‌تر رشد می‌کند و بیشتر در دیگران مؤثر خواهد بود. در این راستا، ریشه‌ای‌ترین کار، مبارزه با زمینه‌های نفسانی گناه چون: حب دنیا، حب جاه، تکبر، حسادت، غرور و خودبینی است. قرآن کریم، مبلغان بدون عمل را بسیار مورد سرزنش قرار داده و آنان را موجب خشم خداوند می‌داند: «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف، آیه ۳).

خداوند متعال در آیه «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (مؤمنون، آیه ۵۱)، همه پیامبران و در رأس آنها پیامبران اولوالعزم را به انجام دو عمل مورد خطاب قرار داده است و همه امت‌ها نیز باید چنین کنند: ۱. خوردن غذاهای پاکیزه و روزی‌های حلال؛ ۲. انجام عمل صالح (مکارم شیرازی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۲۵۵). اگر انسان اهل عمل صالح باشد، بهتر می‌تواند دعوت‌کننده به دین باشد؛ زیرا دعوت عملی، مؤثرتر از دعوت زبانی است و چنانچه کسی به گفته‌هایش پایبند نباشد، نمی‌تواند بر دیگران تأثیر بگذارد.

۲. صبر و استقامت

صبر و استقامت، از مسائل مهم در امر تبلیغ دین است که خداوند متعال به این صفت برجسته در انبیای اولوالعزم اشاره نموده است؛ «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعُرْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُتُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ» (احقاف، آیه ۳۵). اگرچه این آیه خطاب به پیامبر است، اما چون بسیاری از آیات قرآن از باب «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا» هستند، مخاطب آن عموم مردم است. در امر تبلیغ دین، همواره مشکلاتی وجود دارد که باید در هر شرایطی، در برابر آنها استقامت داشت. در این راستا، آیه می

فرماید: ای پیامبر! تنها تو نیستی که با مخالفت و عداوت این قوم مواجه شده‌ای؛ تمام پیامبران اولوالعزم با این مشکلات روبه‌رو بودند و مقاومت کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲)، ص ۳۷۷).

۳. اقامه دین و عدم تفرقه و نفاق در آن

آیه «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری، آیه ۱۳)، بیانگر این است که دعوت اسلام به توحید، دعوت تازه‌ای نیست؛ بلکه دعوت تمامی پیامبران اولوالعزم بوده است و تعبیر «مِنَ الدِّينِ» نشان می‌دهد که هماهنگی شرایع آسمانی، تنها در مسئله توحید و یا اصول عقاید نیست؛ بلکه مجموعه دین الهی، از نظر اساس و ریشه در همه جا یکی است. این آیه، در ادامه به دو امر مهم توصیه نموده: ۱. بر پا داشتن آیین الهی در همه زمینه‌هایی مثل عمل کردن و اقامه و احیای آن؛ ۲. پرهیز از بلای بزرگ؛ یعنی تفرقه و نفاق در دین که همه باید به این دو عمل نمایند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۳۷۷-۳۷۸).

۴. کوتاهی نکردن در ادای مسئولیت تبلیغ

مبلغان دین باید وظیفه خطیر خود را دعوت به توحید قرار دهند. آیه «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَ مِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ أَخَذْنَا مِنْهُمُ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (احزاب، آیه ۷)، نخست تمامی پیامبران را در مسئله میثاق مطرح می‌کند و سپس، از پیامبران اولوالعزم نام می‌برد که به طور ویژه در برابر این پیمان متعهد بوده‌اند؛ اما اینکه این چه پیمان مؤکدی است، اقوال مختلفی درباره آن مطرح است که همه آنها بیانگر یک اصل کلی است و آن، «ادا کردن مسئولیت تبلیغ و رسالت و رهبری و هدایت مردم در تمام زمینه‌ها و ابعاد» است. آنها موظف بودند همه انسان‌ها را به توحید دعوت کنند و یکدیگر را تأیید نمایند.

بنا بر آنچه گذشت، پیامبران اولوالعزم علاوه بر وظایف خاصی که هرکدام با توجه به موقعیت‌های زمانی و مکانی خود در هر عصری، موظف به اجرای آن وظایف بودند، وظایف مشترک دیگری نیز به آنها محول شده بود که خاص زمان و مکان ویژه‌ای نبوده؛ بلکه مربوط به همه آنها در هر عصری و تحت هر شرایطی بوده است. البته این وظایف و اصول مشترک برای تمامی اعصار است و وظیفه هر مبلغی است که در تبلیغ خود، از این اصول بهره‌مند شود تا به لطف الهی، در امر تبلیغ دین موفق شود.

نتیجه

شیوه‌های تبلیغی پیامبران اولوالعزم، به عنوان الگوهای اصلی امر تبلیغ، در عرصه هستی راهگشای صحیح تبلیغ عصر حاضر خواهد بود. برخی از روش‌های تبلیغ این پیامبران عظیم‌الشان، مربوط به موقعیت خاص زمانی و مکانی آنها با توجه به شرایط موجود جامعه بوده است. حضرت نوح علیه السلام در مقابل سال‌ها اهانت، تکذیب و تمسخر قوم خود، مقاومت چندصدساله داشت. حضرت ابراهیم علیه السلام با شجاعت تمام در برابر بت‌پرستان با دلایل منطقی و براهین قاطع، به امر تبلیغ دین پرداخت. حضرت موسی علیه السلام نیز در برابر انواع بهانه‌جویی‌های بنی‌اسرائیل در برابر کفران نعمت مقاومت نمود تا بتواند مردم را به توحید و راه راست دعوت نمایند. حضرت عیسی علیه السلام با اینکه معجزات فراوان داشت، اما همواره با تواضع سعی نمود مقام الوهیتی را که مردم به او نسبت دادند، از خود نفی نماید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اگرچه در امر تبلیغ دین، مشکلات فراوانی متحمل شدند، در عین نرمخویی با قاطعیت عمل می‌کردند. در این راستا، بر مبلغان دینی در هر عصری لازم است که شرایط زمان و مکان خود را بررسی نمایند و با توجه به موقعیتی که دارند، به امر تبلیغ بپردازند. علاوه بر این شرایط ویژه، روش‌ها و اصول دیگری در مورد تبلیغ پیامبران، به خصوص پیامبران اولوالعزم در قرآن کریم بیان شده که خاص زمان آنها نبوده و تمام پیامبران و به دنبال آنان، همه رهبران و مدیران و مبلغان دینی در هر زمان و مکانی، موظف به انجام آن اصول هستند که اگر این اصول را ترک کنند و یا به درستی انجام ندهند، به طور حتم، از امر تبلیغ دین باز خواهند ماند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آلوسی، محمود، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۴. ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین، ۱۴۰۵ق، عوالی اللئالی العزیزية فی الأحادیث الدینیة، چاپ اول، قم، سید الشهداء للنشر.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶ش، الأمالی، چاپ ششم، تهران، کتابچی.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
۸. ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ق، تهذیب اللغة، چاپ اول، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۹. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، ۱۳۶۱ش، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، چاپ اول، تهران، نهضت زنان مسلمان.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶ش، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات.
۱۱. _____، ۱۴۱۰ق، غررالحکم و دررالکلم، چاپ دوم، قم، دار الکتب الإسلامی.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶ق، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، چاپ اول، بیروت، دار العلم للملایین.
۱۳. حسینی همدانی، سید محمدحسین، ۱۴۰۴ق، انوار درخشان، چاپ اول، تهران، کتاب فروشی لطفی.
۱۴. حقی بروسوی، اسماعیل، بی تا، تفسیر روح البیان، چاپ اول، بیروت، دار الفکر.
۱۵. داورپناه، ابوالفضل، ۱۳۷۵ش، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات صدر.
۱۶. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ق، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البتیة ع.ت.ج.

۱۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۶۲ش، فرهنگ‌نامه، تهران، سپهر.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دمشق، دار العلم الشامیه.
۱۹. رهبر، محمدتقی، ۱۳۷۱ش، پژوهشی در تبلیغ، چاپ اول، قم، مرکز چاپ سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۰. زورق، محمدحسن، ۱۳۹۰ش، مبانی تبلیغ، چاپ دوم، تهران، سروش.
۲۱. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، ۱۴۱۶ق، بحر العلوم، چاپ اول، بیروت، دار الفکر.
۲۲. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۵۳ش، قرآن در اسلام، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۳. _____، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، ناصرخسرو.
۲۵. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ش، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، کتاب‌فروشی مرتضوی.
۲۶. طوسی، نصیرالدین محمد بن محمد، ۱۳۷۵ش، اساس الاقتباس، عبدالله انوار، تهران، مرکز.
۲۷. طبیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸ش، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، العین، چاپ دوم، قم، انتشارات هجرت.
۲۹. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱ش، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۰. قرضاوی، یوسف؛ سلیمی، عبدالعزیز، ۱۳۸۲ش، قرآن منشور زندگی، چاپ اول، تهران، احسان.
۳۱. کرمی، رضا علی، ۱۳۷۷ش، روش‌های تبلیغ، قم، دار الثقلمین.
۳۲. معین، محمد، ۱۳۸۶ش، فرهنگ فارسی، تهران، سرایش.
۳۳. مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ق، تفسیر الکاشف، چاپ اول، قم، دار الکتب الاسلامیه.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.